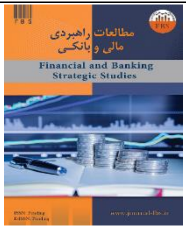
Financial and Banking Strategic Studies

www.journal-fbs.ir

Fin. Bank. Stra. Stud. Vol. 1, No. 2 (2023) 126–138.



Paper Type: Original Article

Investigating the Moderating Role of Corporate Governance in the Relationship between Innovation and Financial Stability with the Growth of Banks Listed on the Tehran Stock Exchange

Sahar Hassania[1], Esmail Eghdami[2,*]

[1] *Department of Accounting, Qadir Non-profit Higher Education Institute, Langrud, Iran; hasanniasahar89@yahoo.com.*
[2] *Department of Accounting, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran; esmail.eghdami@gmail.com.*

Citation:

Hassania, S., & Eghdami, E. (2023). Investigating the moderating role of corporate governance in the relationship between innovation and financial stability with the growth of banks listed on the Tehran stock exchange. *Financial and banking strategic studies, 1*(2), 126-138.

Received: 19/03/2023 Reviewed: 18/04/2023 Revised: 25/05/2023 Accepted: 11/07/2023

Abstract

The main purpose of this research is to investigate the moderating role of corporate governance in the relationship between innovation and financial stability with the growth of banks admitted to the Tehran Stock Exchange. Based on this, the dependent variable of bank growth research is the independent variables of financial innovation and financial stability and the moderating variable of corporate governance. This research is an applied research of descriptive correlation type. The statistical population is the banks admitted to the Tehran Stock Exchange. The information needed for the research was extracted from the financial statements of 9 sample banks in the period of 2014 to 2019 and analyzed using the combined regression method in EViews10 software. Examining the research model based on the generalized least squares method at the 95% confidence level showed that there is no significant relationship between financial innovation and bank asset growth. There is a positive and significant relationship between financial innovation and bank loan growth. There is a positive and significant relationship between financial innovation and bank income growth. There is no significant relationship between financial stability and bank asset growth. There is a positive and significant relationship between financial stability and bank loan growth. There is a positive and significant relationship between financial stability and bank income growth. Also, corporate governance does not play a moderating role in the relationship between innovation and financial stability with bank asset growth, bank loan growth and bank income growth.

Keywords: Bank growth, Corporate governance, Financial innovation, Financial stability.

Corresponding Author: esmail.eghdami@gmail.com

Financial and Banking Strategic Studies

مطالعات راهبردی مالی و بانکی

دوره ۱، شماره (۲)، (۱۴۰۲)، ۱۳۸-۱۲۶

www.journal-fbs.ir

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری و ثبات مالی با رشد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

سحر حسن‌نیا[1]، اسماعیل اقدامی[2،*]

[1]گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی قدیر لنگرود، لنگرود، ایران.

[2]گروه حسابداری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری و ثبات مالی با رشد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بر این اساس متغیر وابسته تحقیق رشد بانک، متغیرهای مستقل نوآوری مالی و ثبات مالی و متغیر تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی می‌باشد. این تحقیق یک تحقیق کاربردی از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد. جامعه آماری بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اطلاعات موردنیاز پژوهش از صورت‌های مالی ۹ بانک نمونه در دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ استخراج و با استفاده از روش رگرسیون ترکیبی در نرم‌افزار *EViews10* تجزیه‌وتحلیل شد. بررسی مدل تحقیق بر اساس روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته در سطح اطمینان ۹۵% نشان داد بین نوآوری مالی و رشد دارایی بانک رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بین نوآوری مالی و رشد وام بانکی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین نوآوری مالی و رشد درآمد بانکی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین ثبات مالی و رشد دارایی بانک رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بین ثبات مالی و رشد وام بانکی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین ثبات مالی و رشد درآمد بانکی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین حاکمیت شرکتی در رابطه میان نوآوری و ثبات مالی با رشد دارایی بانک، رشد وام بانکی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد.

کلیدواژه‌ها: رشد بانک، نوآوری مالی، ثبات مالی، حاکمیت شرکتی.

۱- مقدمه

با پیشرفت مداوم فناوری‌ها، بخش بانکداری باید سرمایه‌گذاری‌های خود را در زمینه نوآوری و پیشرفت‌های دیجیتال سرعت بخشد. بک و همکاران [1] گزارش می‌دهند که سطح نوآوری مالی یک بانک مهم‌ترین عامل مرتبط با رشد و شکنندگی آن است. در مطالعه آن‌ها، نوآوری مالی به لطف بهبود خدمات، به اشتراک‌گذاری ریسک و کارایی تخصیص، رشد بانک را افزایش می‌دهد. نقش نوآوری مالی در شکنندگی بانک‌ها ممکن است در کشورهای نوظهور بیش‌تر و در توسعه مالی کم‌تر باشد و درنتیجه ریسک‌پذیری بیش‌تری را به همراه داشته باشد. پژوهش‌های گذشته مانند بک و همکاران [1]، اثرات متقابل بازار سرمایه مالی و فرصت‌های رشد بین نوآوری مالی و رشد اقتصادی را در نظر می‌گیرد. درحالی‌که بارث و همکاران [2] فقط ابعاد مختلف محیط‌های نهادی را بر روی اندازه‌گیری رشد بانک تحلیل کردند. آن‌ها به‌طور تجربی اثرات مقررات بانکی را بر رشد مالی بانک‌ها بررسی نمودند. علاوه‌براین، نوآوری مالی منجر به افزایش شفافیت در طول فرآیند نظارت می‌شود. نوآوری مالی با برآورده نمودن انتظارات عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی، تامین ثبات اقتصادی از طریق توزیع و انتقال ریسک، افزایش سطح رفاه اقتصادی با ارایه روش‌های موثر سرمایه‌گذاری و هم‌چنین کاهش هزینه‌های واسطه‌گری مالی، نقش تعیین‌کننده‌ای را در توسعه بازار سرمایه و اقتصادهای مهم دنیا ایفا نموده‌اند [3].

* نویسنده مسئول

esmail.eghdami@gmail.com

چورتراس و همکاران [4] استدلال می‌کنند که قدرت نظارتی و نظارت خصوصی برای نمایندگان مقررات بانکی به دلیل پرداخت‌های رشوه بیش‌تر، با سود بانک‌ها ارتباط معکوس دارد. پس از تجزیه‌وتحلیل تاثیر حاکمیت کشور، چورتراس و همکاران [4] تاکید می‌کنند که سطح آزادی یک کشور می‌تواند به‌طور موثر فرآیند تخصیص منابع را بهبود بخشد. هم‌چنین نشان داده شده است که نوآوری‌های مالی به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا به اهداف خود دست یابند و احتمال مبادلات متقابل در کالاها و خدمات را افزایش دهند. در مقابل، لوزانو-ویواس و پاسیورس [5] استدلال می‌کنند که رشد بانک‌ها در بین کشورهایی با سطوح مختلف توسعه نوآوری اقتصادی و مالی متفاوت است. خان و همکاران [6] با بررسی اجرای اصلاحات مالی، به این نتیجه رسیدند که آن‌ها درواقع به رشد بانک آسیب می‌رسانند. بانک‌ها در آسیای جنوب شرقی که با اصلاحات مالی در طول بحران مالی جهانی[1] محدود شده‌اند، اکنون تشویق می‌شوند تا ادغام‌هایی را انجام دهند که منجر به تمرکز بیش‌تر در بازارهای بانکی و درنتیجه تاثیر منفی بر رشد بانک‌ها شده است. بانک‌های نوآور تمایل بیش‌تری به مشارکت در فرآیند ادغام و تملک دارند. در مورد جهانی شدن، ادبیات مالی حاکی از مزایای قابل‌توجهی برای بانک‌ها در کشورهای با درجه جهانی شدن بالاتر است؛ کاهش هزینه‌های اطلاعات بانکی بین کشوری و رفع بسیاری از موانع بر سر راه یکپارچگی متقابل. بانک‌ها با افزودن به نوآوری مالی، بهبود رشد مالی را برای رقابت با رقبا، هدف قرار می‌دهند. به‌طورکلی، استدلال‌های بالا نشان می‌دهند که قدرت نظارتی و نظارت خصوصی، اصلاحات مالی، جهانی‌سازی و حاکمیت شرکتی عموما بر پیوند نوآوری و رشد تاثیر می‌گذارند [3].

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر به ثبات مالی به‌عنوان یک هدف سیستم اقتصادی، بیش‌ازپیش در سیاست‌گذاری‌ها توجه شده است. بانک‌های مرکزی و موسسه‌های مالی بسیاری، ازجمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک تسویه بین‌الملل، در زمینه ثبات مالی گزارش‌های فراوانی منتشر کرده و بخش بزرگی از فعالیت‌های پژوهش آتی خود را به مطالعه در این زمینه اختصاص داده‌اند. در یک تعریف ساده، ثبات مالی به شرایطی اطلاق می‌شود که سیستم با شرایط بحرانی مواجه نشده باشد. ثبات مالی بر عملکرد موسسه‌های مالی و بانک‌ها تاثیر مثبتی دارد و کارایی فعالیت‌های آنان را ارتقا می‌دهد. میزان ثبات مالی در بانک‌ها متفاوت بوده و ثبات مالی در بانک‌های خصوصی و دولتی یکسان نیست. بسترسازی شرایط باثبات در بخش‌های گوناگون اقتصاد، از مهم‌ترین فاکتورهای لازم برای حرکت به سمت رشد پایدار به‌حساب می‌آید [7].

از طرفی در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی به یکی از جنبه‌های اصلی و پویای دنیای تجارت تبدیل شده و توجه به آن به‌طور چشم‌گیری رو به افزایش است. اینک توجه و پیشرفت در اعمال حاکمیت شرکتی در سطح جهانی صورت می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[2] استانداردهای بین‌المللی را در این زمینه ارایه می‌کنند. دیگر کشورها، هم‌چنان به تقویت سیستم‌های حاکمیت شرکتی خود ادامه می‌دهند و به سهام‌داران، روابط آن‌ها، پاسخگویی، بهبود عملکرد هیات مدیره، حسابرسان و سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی، توجه می‌کنند. این سیستم‌ها عمدتا به روش‌هایی توجه دارند که شرکت‌ها با آن‌ها اداره و کنترل می‌شوند. افزون بر این، سرمایه‌گذاران جزء، سرمایه‌گذاران نهادی، حسابداران و حسابرسان و سایر بازیگران صحنه بازار پول و سرمایه از فلسفه وجودی و ضرورت اصلاح و بهبود دایمی حاکمیت شرکتی آگاه شده‌اند. با گسترش ادبیات حاکمیت شرکتی در سطح جهان، بانک‌ها و نظام‌های بانکی که از پیچیده‌ترین بنگاه‌های اقتصادی می‌باشند نیز اقدام به تدوین چارچوب‌های حاکمیت شرکتی جهت اداره و مدیریت و کنترل ریسک‌های خود نموده‌اند. اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب در شبکه بانکی می‌تواند مسیر اجرای حاکمیت شرکتی را در سایر بخش‌های اقتصاد هموار سازد. اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تاثیر قابل‌ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی کشور دارد و حتی اجرای آن در سیستم بانکی بسیار حیاتی‌تر از سایر سازمان‌ها است. با عنایت به ضرورت به‌کارگیری شیوه‌های موثر حاکمیت شرکتی به‌منظور جلب و حفظ اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی و با توجه به این‌که در سال‌های اخیر از یک‌سو پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای در جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی، از طریق قانون‌گذاری، اقدامات نظارتی و نیز اقدامات داوطلبانه بانک‌ها صورت پذیرفته و از سوی دیگر، سپرده‌گذاران و دیگر ذینفعان بانک‌ها نیز آگاهی بیش‌تری در مورد ضرورت و اهمیت نظام حاکمیت شرکتی یافته و نسبت به پیگیری استقرار این نظام علاقه‌مند شده‌اند؛ لذا طبیعی است که استقرار یک نظام جامع و موثر حاکمیت شرکتی می‌تواند بر رشد بانک، توسعه و نیز عملکرد کارای بازارهای مالی، تخصیص بهینه منابع، جلوگیری از مواجه‌شدن بانک‌ها با بحران نقدینگی و حتی ورشکستگی آن‌ها تاثیرگذار باشد [8]. با

[1] Global Financial Crisis (GFC)

[2] Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

عنایت به مطالب مطرح‌شده، مساله اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی به این پرسش است که آیا حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری در رابطه بین نوآوری و ثبات مالی با رشد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

تقی‌زاده و همکاران [9] در پژوهشی با عنوان ارزیابی ثبات مالی در اقتصاد ایران تحت سیاست‌های پولی و کلان احتیاطی به بررسی و ارزیابی ثبات مالی در اقتصاد ایران برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ تحت سیاست‌های پولی و کلان احتیاطی پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده موید این موضوع می‌باشد که: ۱- جهت تنظیم‌گری ریسک‌پذیری بانک‌ها، می‌بایست از سیاست‌های پولی و کلان احتیاطی مخالف دوره‌ای چرخه‌های تجاری استفاده گردد. به‌طوری‌که رابطه بین نرخ ذخایر قانونی (به‌عنوان ابزار غیرمستقیم پولی در اختیار مقام پولی کشور) با میزان ریسک‌پذیری بانک‌ها مثبت و معنادار به لحاظ آماری تعیین گردید. بدین مفهوم با افزایش نرخ ذخیره قانونی (اعمال یک سیاست پولی انقباضی) نرخ بهره افزایش‌یافته و این امر موجب افزایش ریسک‌پذیری بانک‌ها خواهد شد. هم‌چنین افزایش نرخ سپرده احتیاطی به‌عنوان ابزار سیاست کلان احتیاطی با کاهش میزان ریسک‌پذیری بانک‌ها همراه بوده است و ۲- سیاست‌های پولی انقباضی توانایی بازدارندگی در جهت افزایش قیمت‌های مسکن و سهام را دارا می‌باشد؛ هرچند که میزان این اثرگذاری در مقایسه با سایر عوامل موثر بر قیمت دو دارایی مسکن و سهام قابل‌توجه نمی‌باشد.

صادقی عمرآبادی و عمادی [7] در پژوهشی با عنوان اثر مولفه‌های حاکمیت شرکتی بر ثبات مالی در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نقش حاکمیت شرکتی در ارتباط با ثبات مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ را بررسی کردند. این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است. شیوه گردآوری داده‌های آن، از نوع نیمه‌تجربی پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی مالی است که با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره و مدل‌های اقتصادسنجی اجرا شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر دوگانگی مدیرعامل بر ثبات مالی منفی و معنادار است. هم‌چنین اثر سهامدار نهادی بر ثبات مالی، مثبت و معنادار و اثر متغیر مالکیت دولتی بر متغیر ثبات مالی، منفی و معنادار است .علاوه‌براین، اثر نسبت اعضای مستقل هیات‌مدیره و تعداد اعضای هیات‌مدیره بر ثبات مالی نیز مثبت و معنادار است.

جامی و همکاران [10] در پژوهشی به بررسی تاثیر نظارت و بازرسی و سودآوری بانک با بررسی مشتری مداری پرداختند. جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق اقدام به بررسی وضعیت نظارت مالی در فرآیندهای ارایه خدمات و دستورالعمل‌های سازمانی نموده و از صورت‌های مالی (سود و زیان) جهت مشخص شدن میزان تاثیر نظارت بر کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها و ارایه پرسشنامه جهت مشخص شدن تاثیر رضایت‌مندی مشتریان استفاده نموده و در ادامه تحقیق به‌عنوان نمونه خدمات نظارت مالی چند سال بانک ملی استان سیستان و بلوچستان بررسی گردیده است. سپس کلیه اطلاعات استخراج‌شده از صورت‌های مالی و پرسشنامه از طریق نرم‌افزار *SPSS* و آزمون‌های t زوجی و همبستگی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است؛ یعنی به‌طورکلی نظارت مالی باعث افزایش سودآوری و رسیدن به اهداف عالیه بانک که همان کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها و افزایش رضایت‌مندی مشتریان در چارچوب قوانین و مقررات شده است.

بزرگ اصل و همکاران [11] در تحقیقی با عنوان تاثیر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران؛ رهیافت رگرسیون چندک به بررسی رابطه توامان این دو ریسک و تاثیر آن‌ها بر پایداری مالی در صنعت بانکداری در ایران در طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ به روش پانل دیتا پرداختند. بر این اساس برای بررسی تاثیر ریسک‌های نقدینگی و اعتباری بر پایداری مالی از روش رگرسیون چندک (کوانتیل) استفاده شد. نتایج بررسی نشان داد تاثیر منفی و معنی‌دار این دو ریسک بر پایداری مالی در اکثر دهک‌های موردبررسی است به‌طوری‌که با افزایش در پایداری مالی تاثیر این دو ریسک بر پایداری کاهش می‌یابد. به‌بیان‌دیگر بانک‌هایی که در دهک‌های بالای توزیع پایداری قرار دارند تاثیرپذیری کم‌تری از ریسک‌های اعتباری و نقدینگی دارند.

مهدوی و نوراحمدی [8] در پژوهشی با عنوان رتبه‌بندی بانک‌های ایران بر اساس وضعیت توجه به حاکمیت شرکتی در اسناد بالادستی بانک، به بررسی و تحلیل محتوای اسناد بالادستی (شامل چشم‌انداز، ماموریت، اهداف، منشور اخلاقی و ارزش‌های بنیادین) ۳۶ بانک و موسسات اعتباری فعال در نظام بانکداری بدون ربای ایران از منظر حاکمیت شرکتی و مقولات و مفاهیم (متعارف و اسلامی) موجود در آن پرداختند. آنان پس از بررسی ادبیات حاکمیت شرکتی و تحقیقات پیشین در این موضوع به بررسی و تحلیل اسناد بالادستی بانک‌های ایران پرداخته و مقولات مرتبط با حاکمیت شرکتی را استخراج نموده و سطح اهمیت این موضوع در بانک‌های ایرانی را ارزیابی نموده و

حسن‌نیا و اقدامی / مطالعات راهبردی مالی و بانکی، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صفحه: ۱۳۸-۱۲۶

درنهایت بانک‌های ایران را بر این اساس رتبه‌بندی کردند. روش پژوهش تحلیل محتوا می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که سطح توجه به حاکمیت شرکتی و مفاهیم مختلف آن در اسناد بالادستی بانک‌های ایران نسبتا کم می‌باشد که نشان‌دهنده سطح توجه پایین تصمیم‌گیران بانک‌ها به حاکمیت شرکتی می‌باشد.

قاسم پور و همکاران [12] پژوهشی با عنوان تجزیه‌وتحلیل معیارهای ارزیابی سلامت و ثبات نظام بانکی با استفاده از تکنیک دیمتل انجام داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش تجزیه‌وتحلیل معیارهای ارزیابی سلامت و ثبات نظام بانکی با استفاده از تکنیک دیمتل است. جامعه آماری پژوهش مدیران و تحلیلگران حوزه بانکداری می‌باشد و ابزار مورداستفاده پرسشنامه دیمتل است که تعداد ۲۰ پرسشنامه بین خبرگان توزیع و جمع‌آوری گردید. با تجزیه‌وتحلیل پاسخ‌های دریافتی، مشخص گردید که از بین شش معیار ارزیابی سلامت و ثبات نظام بانکی در سیستم رتبه‌بندی کملز، معیار کیفیت مدیریت بیش‌ترین و معیار حساسیت نسبت به ریسک بازار کم‌ترین اثرگذاری را بر روی سایر عناصر دارند؛ هم‌چنین معیار کیفیت مدیریت بیش‌ترین و معیار نقدینگی کم‌ترین میزان اثرپذیری را از سایر عناصر پژوهش دارا هستند و نهایتا مشخص گردید که معیار کیفیت مدیریت دارای بیش‌ترین تاثیر و اثر در کل سیستم بوده و معیارهای کیفیت دارایی، کیفیت مدیریت، سودآوری و نقدینگی عناصر علی و معیارهای کفایت سرمایه و حساسیت نسبت به ریسک بازار عناصر معلولی در سیستم هستند.

حیدرزاده و یزدانی [13] در پژوهشی به بررسی رابطه بازدهی، نظام راهبری شرکتی و پویایی ساختار سرمایه در قالب یک مدل ریاضی پرداختند. در این پژوهش بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی و بازده مورد انتظار سهام، به‌عنوان متغیرهای مستقل؛ ساختار سرمایه به‌عنوان متغیر وابسته و اندازه شرکت، نرخ رشد دارایی و نرخ رشد درآمد عملیاتی به‌عنوان متغیرهای کنترلی درنظر گرفته شده‌اند. در پژوهش آنان، شواهد گردآوری‌شده از طریق نمونه آماری بر پایه تئوری احتمالات، از چهار فرضیه پشتیبانی کرده است؛ بدین معنا که ساختار سرمایه بر متغیرهای مستقل بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی و اندازه شرکت تاثیر منفی و معنادار دارد؛ بر متغیر بازده مورد انتظار سهام تاثیر مثبت و معنادار می‌گذارد و بر متغیرهای نظام راهبری شرکتی، نرخ رشد دارایی و نرخ رشد درآمد عملیاتی، بی‌تاثیر است.

مرادی و سپهوندی [14] در پژوهشی به بررسی تاثیر استراتژی‌های رقابتی بر ثبات عملکرد مالی و ریسک پرداختند. برای آزمون روابط مذکور اطلاعات ٤٢٤ سال-شرکت شامل ۱۳۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸٦ مورداستفاده قرار گرفته است. به‌منظور اندازه‌گیری استراتژی‌های رقابتی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره و ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد هرچند به‌کارگیری استراتژی تمایز نسبت به استراتژی رهبری هزینه منجر به عملکرد پایدارتری می‌شود؛ اما استراتژی تمایز ممکن است با ریسک بیش‌تری همراه باشد.

تنانی و همکاران [15] به بررسی نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کاهش ریسک ریزش قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین سهامداران نهادی و ریسک ریزش قیمت سهام و رابطه مثبت و معنادار بین نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره و ریسک ریزش قیمت سهام است؛ به‌طورکلی، نتایج نشان می‌دهد که سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، عاملی تاثیرگذار بر ریسک ریزش قیمت سهام است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

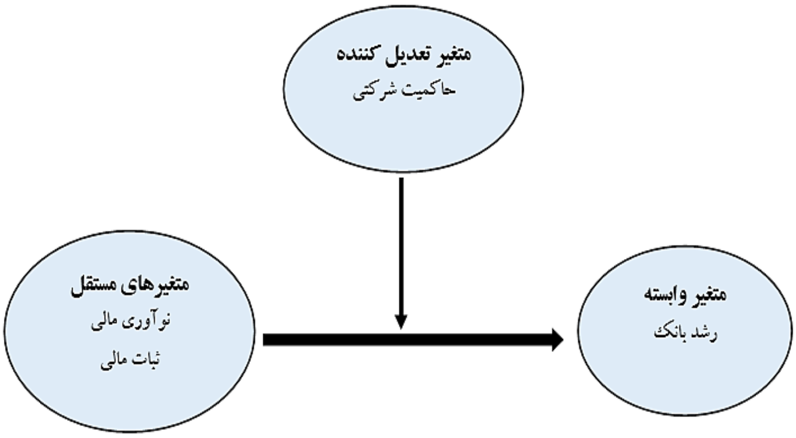
فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بین نوآوری مالی و رشد بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین ثبات مالی و رشد بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد.
٤. حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد.

۴- روش پژوهش

۴-۱- مدل/چارچوب مفهومی پژوهش

با اقتباس از پژوهش لی و همکاران [3] مدل مفهومی پژوهش به‌صورت زیر طراحی شده است:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش.
Figure 1- The conceptual model of the research.

۴-۲- مدل عملیاتی پژوهش

در این تحقیق به دلیل این‌که به بررسی روابط میان متغیرها می‌پردازد در زمره تحقیقات توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد. در این پژوهش ابتدا هریک از متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیل‌کننده و کنترلی با استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه خواهند شد و سپس فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود ارتباط میان متغیرها با استفاده از مدل رگرسیونی ترکیبی توسط نرم‌افزار ایویوز مورد تجزیه‌وتحلیل قرار خواهند گرفت. **مدل (۱)**، مدل اصلی رگرسیونی پژوهش است:

$$Growth_{it} = \beta_0 + \beta_1 FI_{it-1} + \beta_2 FS_{it-1} + \beta_3 CG_{it} + \beta_4 FI_{it-1} \times CG_{it} + \beta_5 FS_{it-1} \times CG_{it} + \beta_6 BMS_{it} + \beta_7 LTA_{it} + \beta_8 LIQ_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}. \quad (۱)$$

که:

Growthit: رشد بانک *i* در سال *t*.

FIit-1: نوآوری مالی بانک *i* در سال *t-1*.

FSit-1: ثبات مالی بانک *i* در سال *t-1*.

CGit: حاکمیت شرکتی بانک *i* در سال *t*.

BMSit: سهم بازار بانک *i* در سال *t*.

LTAit: اندازه بانک *i* در سال *t*.

LIQit: نقدینگی بانک *i* در سال *t*.

LEVit: اهرم مالی بانک *i* در سال *t*.

ROAit: بازده دارایی‌های بانک *i* در سال *t*.

متغیر وابسته

در پژوهش حاضر از یک متغیر وابسته رشد بانک (*Growth*) استفاده شده است که خود بر اساس پژوهش لی و همکاران [3] از ۳ معیار زیر تشکیل شده است. لازم به ذکر است ۳ معیار زیر در مدل اصلی برحسب فرضیه‌های پژوهش جایگذاری خواهند شد:

رشد دارایی بانک[۱]: عبارت است از نرخ رشد دارایی برای یک بانک که با استفاده از نسبت دارایی سال جاری منهای سال قبل تقسیم بر دارایی سال قبل به دست می‌آید.

رشد وام بانکی[۲]: عبارت است از نرخ رشد کل وام یک بانک که با استفاده از نسبت کل وام بانکی سال جاری منهای سال قبل تقسیم بر کل وام بانکی سال قبل به دست می‌آید.

رشد درآمد بانکی[۳]: عبارت است از نرخ رشد کل درآمد یک بانک که با استفاده از نسبت کل درآمد سال جاری منهای سال قبل تقسیم بر کل درآمد سال قبل به دست می‌آید.

متغیرهای مستقل

نوآوری مالی[۴]: در این پژوهش مطابق با پژوهش لی و همکاران [3] از معیار اقلام خارج ترازنامه استفاده می‌کنیم. جهت اندازه‌گیری اقلام خارج ترازنامه، از نسبت اقلام زیرخط به دارایی‌ها استفاده می‌شود. این اقلام شامل تعهدات بانک بابت ضمانت‌نامه‌ها، تعهدات مشتریان بابت اعتبارات اسنادی، تسهیلات اعطایی از محل وجوه اداره شده می‌باشد که جهت همگن کردن بر جمع دارایی‌ها تقسیم می‌شود و از یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی بانک‌ها استخراج می‌شود.

ثبات مالی[۵]: جهت محاسبه ثبات مالی با ریسک بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از عکس شاخص ریسک بتا به‌صورت زیر استفاده می‌شود [7]:

$$\beta = \frac{Cov(r_i r_m)}{Var(r_m)},$$

که از تقسیم کواریانس بازده بازار و بانک بر واریانس بازده بازار به دست می‌آید.

متغیر تعدیل‌کننده

حاکمیت شرکتی[۶]: در این پژوهش با استفاده از سه معیار روش ارزیابی که در **جدول ۱** ذکر شده‌اند، موردمحاسبه قرار می‌گیرد. این موارد به‌صورت مجزا و با سوالات مربوط به خود آزمون می‌شود و نتایج از طریق میانه اعداد محاسبه‌شده به‌صورت صفر و یک مشخص می‌شود. بدین‌صورت که کیفیت حاکمیت شرکتی یک موسسه یا شرکت، اگر در شرایط حداقل پذیرش آن قرار گرفته باشد با عدد یک و در غیر این صورت با عدد صفر نشان داده می‌شود. گفتنی است که طبق محاسبات **جدول ۱**، مقدار شاخص‌های کیفیت حاکمیت شرکتی بین عدد صفر تا سه می‌باشد که ارزش بیش‌تر نشانگر حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا در بانک‌ها خواهد بود [16].

جدول ۱- شاخص‌های اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی.
Table 1- Corporate governance measurement indicators.

نام متغیر	تعریف عملیاتی
استقلال هیات مدیره	نسبت تعداد مدیران مستقل (غیرموظف) به تعداد کل اعضای هیات‌مدیره
میزان سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی	مجموع سهام در اختیار سهام‌داران نهادی
تمرکز مالکیت	جمع درصد سهام تحت تملک بزرگ‌ترین سهامدار و هم‌چنین به ترتیب سایر سهام‌داران بالای پنج درصد می‌باشد.

*منبع: تقی‌نتاج و همکاران [16]

[1] Bank Asset Growth (BAG)
[2] Bank Loan Growth (BLG)
[3] Bank Income Growth (BIG)
[4] Financial Innovation (FI)
[5] Financial Stability (FS)
[6] Corporate Governance (CG)

درنهایت با توجه به این‌که این متغیر در این پژوهش به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده استفاده می‌شود پس از محاسبه شاخص حاکمیت شرکتی، عدد مزبور با میانگین نسبت شاخص حاکمیت شرکتی در هر سال مقایسه شده و درصورتی‌که مقدار آن از مقدار میانگین بالاتر باشد، به‌عنوان حاکمیت شرکتی خوب تلقی شده و عدد یک به آن نسبت داده شده و در غیر این صورت مساوی صفر فرض شده است.

متغیرهای کنترلی

سهم بازار بانک[1]: عبارت است از سپرده‌های بانکی تقسیم بر کل سپرده‌ها [3].

اندازه بانک[2]: برابر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های بانک در پایان دوره است [17].

نقدینگی[3]: با استفاده از نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌های بانک محاسبه می‌شود [17].

اهرم مالی[4]: با استفاده از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی محاسبه می‌شود [17].

بازده دارایی‌ها[5]: عبارت است از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها [17].

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۲ نشان‌دهنده آمار توصیفی متغیرهای تحقیق است که شامل ۵۵ مشاهده است.

جدول ۲ - آمار توصیفی متغیرهای تحقیق.

Table 2 - Descriptive statistics of research variables.

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
BAG	0.699	0.287	12.037	-0.831	2.169	4.763	24.301
BLG	8.141	0.151	92.639	-0.946	23.165	2.918	10.024
BPG	1.007	0.251	27.555	-0.825	3.773	6.635	47.105
FI_1	0.308	0.227	0.760	0.022	0.212	0.561	1.995
FS_1	1.099	1.210	5.330	-3.159	1.332	-0.132	4.862
CG	0.537	1.000	1.000	0.000	0.503	-0.148	1.022
BMS	0.018	0.008	0.089	0.000	0.021	1.694	5.583
LTA	13.263	13.003	15.854	10.630	1.392	0.015	1.782
LIQ	0.051	0.040	0.464	0.003	0.066	4.738	29.616
LEV	1.582	0.953	10.014	0.860	2.266	3.261	11.666
ROA	0.008	0.003	0.145	-0.045	0.025	2.911	17.487
مشاهدات	54	54	54	54	54	54	54

جدول ۲ حاوی آمار توصیفی متغیرهای مربوط به مدل‌های اصلی جهت آزمون فرضیه‌ها است. در این جدول، کم‌ترین میانگین مربوط به متغیر بازده دارایی و بیش‌ترین میانگین مربوط به متغیر اندازه بانک می‌باشد. هم‌چنین در بین متغیرهای تحقیق بیش‌ترین انحراف معیار مربوط به متغیر رشد وام بانکی و کم‌ترین انحراف معیار مربوط به متغیر سهم بازار بانک است.

[1] Bank Market Share (BMS)
[2] Bank Size (BS)
[3] Liquidity
[4] Financial Leverage (FL)
[5] Return On Assets (ROA)

۵-۲- تخمین مدل دوم

نتایج حاصل از تخمین **مدل (۲)** با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته در نرم‌افزار ایویوز در **جدول ۳** آورده شده است.

$$BAG_{it} = \beta_0 + \beta_1 FI_{it-1} + \beta_2 FS_{it-1} + \beta_3 CG_{it} + \beta_4 FI_{it-1} \times CG_{it} + \beta_5 FS_{it-1} \times CG_{it} + \beta_6 BMS_{it} + \beta_7 LTA_{it} + \beta_8 LIQ_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}. \quad (۲)$$

جدول ۳- نتایج تخمین مدل دوم.

Table 3- The estimation results of the second model.

متغیر	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob
FI_1	0.643	0.908	0.707	0.483
FS_1	0.014	0.145	0.096	0.923
CG	-1.423	0.777	-1.829	0.075
FI_1×CG	3.029	1.974	1.593	0.102
FS_1×CG	-0.0004	0.250	-0.001	0.998
BMS	-33.686	13.719	-2.648	0.012
LTA	1.620	0.335	4.824	0.000
LIQ	7.123	3.851	1.849	0.072
LEV	-0.269	0.114	-2.363	0.023
ROA	3.192	9.162	0.348	0.729
عرض از مبدا (C)	-19.656	4.165	-4.718	0.000
ضریب تعیین = 0.584		ضریب تعیین تعدیل‌شده = 0.371		
آماره دوربین واتسون = 2.377	آماره آزمون F = 9.738		احتمال آزمون F = 0.000	

نتایج مندرج در **جدول ۳** نشان می‌دهد که *P-value* آزمون *F* برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. درنتیجه می‌توان گفت **مدل (۲)** پژوهش با احتمال ۹۵% معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده **مدل (۲)** پژوهش معادل ۰/۳۷۱ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ۳۷% تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی مدل قابل تبیین است و از آن‌جایی که آماره دوربین–واتسون مدل برابر با ۲/۳۷۷ است و این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می‌توان گفت که در مدل خودهمبستگی وجود ندارد.

فرضیه ۱- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۳** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر نوآوری مالی (۰/۴۸۳)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۰/٦٤٣) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که نوآوری مالی تاثیر معناداری بر رشد دارایی بانک‌ها ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۱** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین نوآوری مالی و رشد دارایی بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته نمی‌شود.

فرضیه ۲- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۳** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر ثبات مالی (۰/۹۲۳)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۰/۰۱٤) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که ثبات مالی تاثیر معناداری بر رشد دارایی بانک‌ها ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۲** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین ثبات مالی و رشد دارایی بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته نمی‌شود.

فرضیه ۳- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۳** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر *FI_1×CG* (۰/۱۰۲)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۳/۰۲۹) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۳** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود.

فرضیه ٤- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۳** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر *FS_1×CG* (۰/۹۹۸)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۰/۰۰۰٤-) منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی

و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ٤** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود.

۵-۳- تخمین مدل سوم

نتایج حاصل از تخمین **مدل (۳)** با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته در نرم‌افزار ایویوز در **جدول ٤** آورده شده است.

$$BLG_{it} = \beta_0 + \beta_1 FI_{it-1} + \beta_2 FS_{it-1} + \beta_3 CG_{it} + \beta_4 FI_{it-1} \times CG_{it} + \beta_5 FS_{it-1} \times CG_{it} + \beta_6 BMS_{it} + \beta_7 LTA_{it} + \beta_8 LIQ_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}. \quad (۳)$$

جدول ٤- نتایج تخمین مدل سوم.

Table 3- The estimation results of the second model.

متغیر	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob
FI_1	40.264	10.971	3.669	0.000
FS_1	3.982	1.084	3.673	0.000
CG	16.519	13.741	1.296	0.203
FI_1×CG	-18.248	28.357	-0.643	0.524
FS_1×CG	-1.689	4.579	-0.368	0.714
BMS	-128.665	211.603	-0.605	0.548
LTA	-11.957	3.016	3.964	0.0003
LIQ	10.557	5.0374	0.209	0.835
LEV	-3.682	1.384	-2.660	0.011
ROA	26.597	137.037	1.952	0.058
عرض از مبدا (C)	-167.063	36.668	-4.556	0.0001
ضریب تعیین = 0.608		ضریب تعیین تعدیل‌شده = 0.406		
آماره دوربین واتسون = 2.265	آماره آزمون F = 9.918		احتمال آزمون F = 0.000	

نتایج مندرج در **جدول ٤** نشان می‌دهد که *P-value* آزمون *F* برابر با ۰٫۰۰۰ می‌باشد و کوچک‌تر از ۰٫۰۵ است درنتیجه می‌توان گفت **مدل (۳)** پژوهش با احتمال ۹۵% معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل پژوهش معادل ۰٫٤۰٦ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ٤۰% تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی مدل قابل تبیین است و از آن‌جایی که آماره دوربین- واتسون مدل برابر با ۲٫۲٦۵ است و این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می‌توان گفت که در مدل خودهمبستگی وجود ندارد.

فرضیه ۱- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۴** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر نوآوری مالی (۰٫۰۰۰)، کوچک‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر (۴۰٫۲۶۴) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که نوآوری مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد وام بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۱** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین نوآوری مالی و رشد وام بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۲- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۴** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر ثبات مالی (۰٫۰۰۰)، کوچک‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر (۳٫۹۸۲) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که ثبات مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد وام بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۲** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین ثبات مالی و رشد وام بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۳- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۴** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر *FI_1×CG* (۰٫۵۲۴)، بزرگ‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر (۱۸٫۲۴۸-) منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۳** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود.

حسن‌نیا و اقدامی / مطالعات راهبردی مالی و بانکی، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صفحه: ۱۳۸-۱۲۶

فرضیه ۴- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۴** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر *FS_1×CG* (۰/۷۱۴)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۱/۶۸۹-) منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۴** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود.

۵-۴- تخمین مدل چهارم

نتایج حاصل از تخمین **مدل (٤)** با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته در نرم‌افزار ایویوز در **جدول ۵** آورده شده است.

$$BPG_{it} = \beta_0 + \beta_1 FI_{it-1} + \beta_2 FS_{it-1} + \beta_3 CG_{it} + \beta_4 FI_{it-1} \times CG_{it} + \beta_5 FS_{it-1} \times CG_{it} + \beta_6 BMS_{it} + \beta_7 LTA_{it} + \beta_8 LIQ_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \varepsilon_{it}. \quad (۴)$$

جدول ۵- نتایج تخمین مدل چهارم.

Table 5- The estimation results of the fourth model.

متغیر	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob
FI_1	0.352	0.108	3.253	0.001
FS_1	0.222	0.104	2.128	0.040
CG	0.495	0.709	0.697	0.489
FI_1×CG	0.890	1.667	0.533	0.596
FS_1×CG	-0.025	0.239	-0.104	0.917
BMS	12.287	8.944	1.373	0.176
LTA	-0.327	0.175	-1.865	0.068
LIQ	-0.447	2.959	0.151	0.880
LEV	0.101	0.087	1.165	0.250
ROA	16.385	7.331	2.234	0.030
عرض از مبدا (C)	5.108	2.188	2.334	0.024
ضریب تعیین = 0.425		ضریب تعیین تعدیل‌شده = 0.415		
آماره دوربین واتسون = 2.400		آماره آزمون F = 1.255	احتمال آزمون F = 0.000	

نتایج مندرج در **جدول ۵** نشان می‌دهد که *P-value* آزمون *F* برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، درنتیجه می‌توان گفت **مدل (٤)** پژوهش با احتمال ۹۵% معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده **مدل (٤)** پژوهش معادل ٠/٤١٥ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ٤١% تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی مدل قابل تبیین است و از آن‌جایی که آماره دوربین-واتسون مدل برابر با ١/٥٤٥ است و این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می‌توان گفت که در مدل خودهمبستگی وجود ندارد.

فرضیه ۱- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۵** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر نوآوری مالی (۰/۰۰۱)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۰/۳۵۲) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که نوآوری مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد درآمد بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۱** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین نوآوری مالی و رشد درآمد بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۲- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۵** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر ثبات مالی (۰/۰۴۰)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۰/۲۲۲) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که ثبات مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد درآمد بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۲** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین ثبات مالی و رشد درآمد بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۳- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۵** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر *FI_1×CG* (۰/۵۹۶)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۰/۸۹۰) مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و

رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۳** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود.

فرضیه ۴- هم‌چنین نتایج حاصل از **جدول ۵** نشان می‌دهد که معناداری (*Prob*) محاسبه‌شده برای متغیر $FS_1\times CG$ (۰/۹۱۷)، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر (۰/۰۲۵-) منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۴** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود.

جدول ۶- خلاصه نتایج فرضیات.
Table 6- Summary of hypothesis results.

	شرح فرضیه	رد/پذیرش
1	بین نوآوری مالی و رشد بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.	پذیرش
2	بین ثبات مالی و رشد بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.	پذیرش
3	حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد.	رد
4	حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد.	رد

۶- نتیجه‌گیری و بحث

۶-۱- فرضیه اول

فرضیه ۱ - بین نوآوری مالی و رشد بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج تحلیل آماری بیان می‌کند معناداری محاسبه‌شده برای متغیر نوآوری مالی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که نوآوری مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد درآمد بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۱** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین نوآوری مالی و رشد دارایی بانک رابطه معنی‌داری وجود ندارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

هم‌چنین نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر نوآوری مالی کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که نوآوری مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد وام بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۱** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین نوآوری مالی و رشد وام بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود؛ لذا با افزایش نوآوری مالی، رشد وام بانکی افزایش خواهد یافت. این نتیجه مطابق نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر نوآوری مالی کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که نوآوری مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد درآمد بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۱** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین نوآوری مالی و رشد درآمد بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود؛ لذا با افزایش نوآوری مالی، رشد درآمد بانکی افزایش خواهد یافت. این نتیجه مطابق نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

۶-۲- فرضیه دوم

فرضیه ۲- بین ثبات مالی و رشد بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر ثبات مالی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که ثبات مالی تاثیر معناداری بر رشد دارایی بانک‌ها ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۲** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین ثبات مالی و رشد دارایی بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

حسن‌نیا و اقدامی / مطالعات راهبردی مالی و بانکی، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صفحه: ۱۳۸-۱۲۶

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر ثبات مالی کوچک‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که ثبات مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد وام بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۲** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین ثبات مالی و رشد وام بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود. لذا با افزایش ثبات مالی، رشد وام بانکی افزایش خواهد یافت. این نتیجه مطابق نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر ثبات مالی کوچک‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که ثبات مالی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد درامد بانکی دارد. بر این اساس، **فرضیه ۲** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که بین ثبات مالی و رشد درامد بانکی رابطه معنی‌داری وجود دارد، پذیرفته می‌شود. لذا با افزایش ثبات مالی، رشد درآمد بانکی افزایش خواهد یافت. این نتیجه مطابق نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

۶-۳- فرضیه سوم

فرضیه ۳- حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر $FI_1 \times CG$ بزرگ‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۳** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر $FI_1 \times CG$ بزرگ‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۳** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر $FI_1 \times CG$ بزرگ‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر مثبت است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۳** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین نوآوری مالی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

۶-۴- فرضیه چهارم

فرضیه ۴- حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر $FS_1 \times CG$، بزرگ‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ٤** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد دارایی بانک‌ها نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر $FS_1 \times CG$ بزرگ‌تر از ۰٫۰۵ و ضریب متغیر منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۴** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد وام بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد معناداری محاسبه‌شده برای متغیر $FS_1 \times CG$ بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و ضریب متغیر منفی است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. بر این اساس، **فرضیه ۴** در سطح اطمینان ۹۵% مبنی بر این‌که حاکمیت شرکتی در رابطه بین ثبات مالی و رشد درآمد بانکی نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد، پذیرفته نمی‌شود. این نتیجه برخلاف نتیجه تحقیق لی و همکاران [3] است.

منابع

[1] Beck, T., Chen, T., Lin, C., & Song, F. M. (2016). Financial innovation: the bright and the dark sides. *Journal of banking & finance*, *72*, 28–51. https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0378426616301133

[2] Barth, J. R., Caprio, G., & Levine, R. (2004). Bank regulation and supervision: what works best? *Journal of financial intermediation*, *13*(2), 205–248.

[3] Lee, C. C., Wang, C. W., & Ho, S. J. (2020). Financial innovation and bank growth: the role of institutional environments. *The north American journal of economics and finance*, *53*, 101195. https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1062940820300929

[4] Chortareas, G. E., Girardone, C., & Ventouri, A. (2013). Financial freedom and bank efficiency: evidence from the European Union. *Journal of banking & finance*, *37*(4), 1223–1231.

[5] Lozano-Vivas, A., & Pasiouras, F. (2014). Bank productivity change and off-balance-sheet activities across different levels of economic development. *Journal of financial services research*, *46*(3), 271–294.

[6] Khan, H. H., Kutan, A. M., Ahmad, R. B., & Gee, C. S. (2017). Does higher bank concentration reduce the level of competition in the banking industry? Further evidence from South East Asian economies. *International review of economics & finance*, *52*, 91–106. https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1059056017302976

[7] Sadeghi Amrabadi, B., & Emadi, Z. (1399). The effects of corporate governance components on financial stability in banks admitted to the Tehran Stock Exchange. *Quarterly study in banking management and Islamic banking*, *5*(13), 85–108. (**In Persian**). https://civilica.com/doc/1221628

[8] Mahdavi Parsa, A., & Nourahmadi, M. (2018). Ranking Iranian banks according to corporate governance based on banks documents. *Journal of investment knowledge*, *7*(26), 199-220. (**In Persian**). https://jik.srbiau.ac.ir/article_12609.html?lang=en

[9] Taghizadeh, H., Renani, H. S., & Ghobadi, S. (2021). Evaluation of financial stability in Iran's economy under monetary and macroprudential policies. *Economic strategy scientific research quarterly*, *10*(36). (**In Persian**). https://econrahbord.csr.ir/article_135024_81ab0fc8a4b7a706f8f9c4d8ea961da1.pdf

[10] Jami, M., Vahedi, M. H., & Nazi, H. (2019). The effect of supervision and inspection and bank profitability by examining customer orientation. *Research in accounting and economic sciences*, *3*(7), 1–12. (**In Persian**). https://ensani.ir/fa/article/414866/

[11] Bozorg Asl, M., Taghi Samadi, M., Barzideh, F. (2017). The relationship between liquidity risk and credit risk and its impact on financial instability in Iran's banking industry. *Monetary and banking researches*, 33, 509-532. (**In Persian**). https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1315354/

[12] Qasimpour, S., Salimi, M. J., Ebrahimi Sarvolia, M. H., & Ebrahimi, M. (2016). Analyzing the criteria for evaluating the health and stability of the banking system using the DIMTEL technique. *Quantitative studies in open water management*, *7*(27), 93–112. (**In Persian**). https://qrm.abhar.iau.ir/article_702164.html

[13] Yazdani, M., & Heydarzadeh Hanzaei, A. (2016). *Examining the relationship between efficiency, corporate governance system and capital structure dynamics (evidence from Tehran Stock Exchange)* [presentation]. Conference on management and humanities researches in Iran. (**In Persian**). https://civilica.com/doc/492492/

[14] Moradi, M., & Sephoundi, S. (2015). The impact of competitive strategies on the sustainability of financial performance and risk. *Financial accounting research*, *7*(3), 75–90. (**In Persian**). https://far.ui.ac.ir/article_17053.html?lang=en

[15] Tanani, M., Sediqi, A., & Amiri, A. (2015). Investigating the role of some corporate governance mechanisms in reducing the risk of falling stock prices of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of asset management and financing*, *3*(4), 31–50. (**In Persian**). https://amf.ui.ac.ir/article_19929.html?lang=en

[16] Tagi Nataj, G., Bahri Sales, J., & Ghaderi, G. (2018). The impact of corporate governance quality on the financial performance of banks with emphasis on the moderating role of disclosure quality. *Quarterly studies in banking management and Islamic banking*, *4*(8), 151-127. (**In Persian**). https://jifb.ibi.ac.ir/article_65143.html?lang=en

[17] Almatari, M. (2023). The determinants of bank profitability of GCC: the role of bank liquidity as moderating variable—further analysis. *International journal of finance & economics*, *28*(2), 1423–1435.

حسن‌نیا و اقدامی / مطالعات راهبردی مالی و بانکی، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صفحه: ۱۳۸-۱۲۶